

## ارزیابی دو سیستم

در متون حقوقی و پیرا حقوق نقدهایی بر هر یک از این دو سیستم وارد شده است که به نوعی و با واسطه امتیاز سیستم رقیب به حساب می آید.

مثلا در نقد بر سیستم حاکمیت امارات قانونی گفته شده:

ایستایی سیستم ادله قانونی؛

لزوم صدور حکم بر اساس ادله باطل و غیر صحیح و

زیر پا نهادن عدالت از مشکلات این نظم قضایی است.

در توضیح این آسیب ها - به ترتیب - گفته شده:

1. با توجه به این که ادله اثبات در این شیوه، به شکل حصر به وسیله قانون گذار احصا می شود و از آن جا که به طبع قانون گذار بر اساس ادله موجود و از میان ادله ای که ممکن است، استفاده شود، برخی از آن ها را انتخاب می کند. طبیعتا در گذر زمان ممکن است ادله جدیدی یافت شود که از جهت عقلی، تجربی و عقلایی قابل اعتنا هستند؛ در نتیجه لازم است قانون گذار نفیا یا اثباتا درباره آنها اظهار نظر کند و این وضعیت به خصوص با توجه به پیشرفت صنعت و تکنولوژی و تغییر فرهنگ ها پی در پی اتفاق می افتد. زمانی اسناد مطرح نبودند و عمده ادله، اقرار و شهادت بود. بعدها اسناد جای اقرار و شهادت را گرفت. ادله علمی، انگشت نگاری، اسلحه شناسی، آزمایشات پزشکی، آزمایش DNA، نوار صوتی و تصویری و ... همگی قابل اشاره اند. به هر حال سیستم ادله قانونی در عمل باعث ایستایی نظام ادله می شود، ولی چنین وضعیتی در نظام ادله معنوی دیده نمی شود.
2. بر مبنای نظام ادله قانونی محض، در شکل افراطی آن، ادله باطل، ارزشمند به شمار می روند؛ در نتیجه همین که اقرار با شرایط معتبر قانونی وجود داشته باشد، قاضی باید بر اساس آن، حکم صادر کند، اگر چه علم به کذب چنین اقراری داشته باشد. روشن است عقل سلیم، چنین چیزی را نمی پذیرد.
3. سیستم قانونی محض با بها ندادن به علم قاضی، عملا زمینه پیدایش ظلم و از میان رفتن عدالت را فراهم می سازد. تصور کنید قاضی بر اساس امارات قضایی به ذی حق بودن یکی از دو طرف دعوا علم دارد، در حالی که محق، ادله کافی برای اثبات ذی حق بودن خویش ندارد؛ مثلا بعضی از شهودی که معرفی کرده است، شرایط معتبر ندارند، قاضی موظف است بر اساس نظام ادله قانونی و برخلاف وجدان خویش، حکم علیه او صادر کند.<sup>1</sup>

و در نقد بر سیستم حاکمیت دلایل آزاد و معنوی عناصری چون بی ضابطگی و فقدان احساس عدالت و تاثیر خوش بین و بد بین بودن قاضی، در برابردقضا، به عنوان آسیب های این نظم قضایی مطرح شده است.

آسیب های مورد اشاره وقتی بهتر رخ می نماید که توجه کنیم در این سیستم، منظور از اقناع، اقناع شخصی است و نباید از قضات راجع به وسایلی که بر اساس آن قانع شده اند، سوال شود؛ زیرا قانون برای ایشان، قواعدی را که بر طبق آن باید کفایت یک دلیل را استنباط نمایند، مقرر نداشته است. قانون فقط این پرسش را که معیار کامل وظایف آنان است، از قضات می پرسد: آیا اعتقاد باطنی دارید؟ آیا قنوع وجدان دارید؟<sup>2</sup>

1. ر.ک: ادله اثبات کیفری در اسلام، ص 98 و 99.

2. ر.ک: همان، ص 100 و 101.

## نکته ای مهم در ارزیابی این دو سیستم/ مقول به تشکیک بودن این دو سیستم/ بیان زمینه پیدایش سیستم های قضایی مرکب

نباید تردید کرد که این دو سیستم، هرکدام بسته ای واحد و ثابت نیستند تا وقتی از آنها یاد می شود، آغاز و انجامی روشن را تداعی کنند، از این رو نقد آنها، کار آسانی بلکه و دقیقی نیست. گاه نقد خاصی متوجه نوع خاصی از این دو سیستم است نه همه گونه های آن.

البته این بدان معنا نیست که نتوان این دو نظم قضایی را از هم جدا کرد و به عنوان دو نظم متفاوت محاسبه نکرد و فکر کرد که در نهایت به هم می رسند؛ لکن هر چه از این دو سیستم شکلی افراطی تر آن مطرح می شود، فاصله این دو زیادتر می شود. و هر چه از تندی و تیزی آن ها، ساییده می شود، فاصله آنها کمتر می شود. مثلاً در سیستم حاکمیت ادله قانونی، هم اندیشه ای راداریم که اقرار را از امارات می داند حتی با یقین قاضی به خلاف و هم اندیشه ای را که اقرار را به شرط عدم اعتقاد قاضی به خلاف معتبر می شمارد. اندیشه دوم تا حد زیادی به نظم حقوقی حاکمیت ادله آزاد نزدیک می شود.

همچنین در سیستم حاکمیت ادله معنوی و قبول اعتبار علم شخصی قاضی، هم اندیشه ای را داریم که قاضی را ملزم به بیان منشا اعتقاد و قضاوت خود نمیداند، هم نظری که قاضی را ملزم به بیان منشا اعتقاد و قضاوت خود میداند. قبلاً از اندیشه اول از ژان لارگیه - حقوقدان فرانسوی - یاد کردیم،<sup>3</sup> حال بشنوید اندیشه رقیب را.

«در حقوق آلمان، دادگاه ها مکلفند، خلاصه ای از دلایل ارائه شده و آنچه سبب اقناع وجدان قاضی شده است، را ارائه دهند. در ایتالیا ماده 546 پا را فراتر نهاده، مقرر میدارد باید عللی که به موجب آن، قاضی، دلایل مغایر را نپذیرفته است، قید کند».<sup>4</sup>

با توجه به آن چه گذشت، معلوم می شود که ما با دو نظام ثابت، طرف نیستیم و در این میان، نظام های متفاوت واسط نیز وجود دارند که نام آن ها را گاه «نظام های قضایی مرکب» گذاشته اند، هر چند نیکو این بود که «نظام های قضایی واسط» نامیده می شدند.

<sup>3</sup> . ر.ک: همان، ص 101 و 102.

<sup>4</sup> . ر.ک: همان، ص 102 و 103.